حکم نجفی ابلاغ شد: ۹۳ ماه زندان فرجام قتل استاد

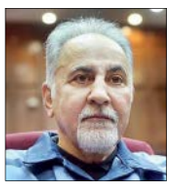

وکیل محمدعلی نجفی از ابلاغ رأی محکومیت موکلش خبر داد.

گودرزی عصر دیروز در گفت‌وگو با فارس، گفت: رأی دادگاه لحظاتی پیش به ما ابلاغ شد؛ ۶ سال و نیم حبس برای قتل عمد و یک سال و ۳ ماه حبس نیز برای نگهداری سلاح غیرمجاز برای موکلم «محمدعلی نجفی» صادر شده است.

وی ادامه داد: ما به این رأی اعتراض خود را خواهیم کرد و به دیوان عالی فرجام خواهی می‌کنیم.

محمدعلی نجفی در این پرونده متهم به قتل همسر دوم خود در حمام خانه‌شان در محله سعادت آباد است. او با شلیک گلوله، میترا استاد را از پا ی درآورد. نجفی و وکلایش در جلسات دادگاه تلاش کردند، قتل را شبه عمد نشان دهند اما قضات باتوجه به گزارش کارشناسان اسلحه و پزشکی قانونی قتل را عمد تشخیص دادند و با توجه به گذشت اولیای دم از جنبه عمومی جرم حکم را صادر کردند.

با آغاز فصل سرما، مشکلات زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی دو چندان شده است

جدال با برف و گرگ

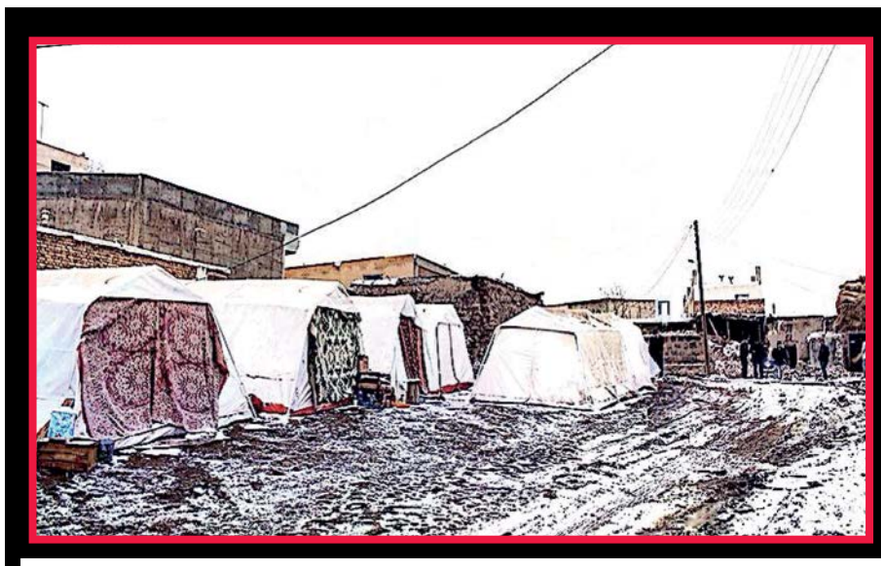

لیلا حسین زاده

حوادث

۳۵روز از زلزله ۵/۹ ریشتری آذربایجان شرقی می‌گذرد. پنج نفر را کشت، صدها نفر زخمی شدند، چهاردیواری بالای سر خیلی از روستاییان روی سرشان آوار شد و گاو و گوسفندهای خیلی‌های‌شان هم زیر آوار تلف شد. حالا خیلی از بازماندگان، گرفتار مشکلات بعد از زلزله شده‌اند. از یك طرف بی‌خانمانی، از طرف دیگر هم سوز سرمای زمستانی که شلاق بیرحمانه‌اش را گاه و بی‌گاه به صورت‌ها و دست‌های سرخ شده از سرمای‌شان فرود می‌آورد.

درست زمانی که خیلی‌های مان زیر پتوییم و از گرمای لذت‌بخش بخاری و شوفاژ حسابی کیفور می‌شویم، زلزله‌زده‌های بسیاری که خانه وکاشانه‌ای ندارند، از سرما به‌خود می‌لرزند. هنوز ساخت خانه‌ها شروع نشده و چادرهای نه چندان جاندار هلال احمر، زلزله‌زده‌ها را پناه داده است.

هدایت، یکی از اهالی روستای خلیفه‌لو می‌گوید اینها کافی نیست و با این‌که اداره برق استان، برای آنهایی که خانه‌ای ندارند، سیم برق‌کشیده تا با بخاری برقی‌های اهدایی هلال احمرگرم شوند، اما هنوز هم از سرمای شدید و استخوان‌سوز به‌خود می‌لرزند. بادهایی که به‌قول هدایت در این منطقه می‌وزد، آن‌قدر قوی است که راحت می‌تواند یك انسان را از زمین بکند و زندگی را سخت کرده است.

امکانات بخور و نمیر

فصل سرماست و حیوانات گرسنه از ارتفاعات کوه‌ها به پایین و نقاط مسکونی سرازیر می‌شوند تا غذایی برای خود پیدا کنند. به‌خاطر همین است که قادر و چند خانواده دیگر از روستاییان چادرهای‌شان را کنار هم برپا کرده‌اند تا اگر به‌قول خودشان، خرس و گرگی به چادر یا کسی حمله کرد، بقیه به کمکش بروند. حمید، پسر قادر می‌گوید: «دولت می‌گوید چون برف و باران می‌آید، نمی‌تواند خانه‌هایمان را بسازد و باید تا بهار صبر کنیم. چطور صبر کنیم؟ یك‌سری که زورشان زیاد بود و پارتی داشتند، توانستند کانکس بگیرند. تکلیف مایی که دستمان به جایی بند نیست، چیست؟ لباس گرم و کاپشن و چکمه نداریم. هر لباسی که در خانه داشتیم، در اثر زلزله و بارش برف خراب شده و دیگر قابل استفاده نیست. غذای‌مان هم تعریفی ندارد. بیشتر غذاهایی که برایمان می‌آورند، کنسروی است و کیك و سبزیجاتی مثل خیار و گوجه. گوشت و مرغ نداریم. خوراکی‌هایی که به دستمان می‌رسد، فقط در حد بخور و نمیر نیازمان را برطرف می‌کند.»

عبدالپناه، مرد ۵۸ ساله‌ای است که از شدت سرما، صورت پر از مویش سرخ شده است. او هم دل پرخونی از شرایط فعلی‌اش دارد: «من اهل روستای زرنق هستم. بیشتر از یك ماه از زلزله می‌گذرد، اما هنوز یك سرویس بهداشتی برایمان نیاورده‌اند. آنهایی که خانه‌های‌شان نیمه‌مخروبه است، برای قضای حاجت به خانه خود می‌روند و آن عده هم که ندارند، گوشه و کنار می‌روند که بهداشتی نیست. زن‌ها و دخترها امکانات بهداشتی مخصوص ندارند و کسی به فکر ما نیست. محض رضای خدا حتی یك پزشك هم اینجا نیست که اگر مریض شدیم یا زن بارداری به دکتر نیاز داشت، به او مراجعه کند. جاده‌های منتهی به روستا برفگیر است و اگر برف بیاید، تا لودر نیاید و راه را باز نکند، نمی‌توانیم رفت و آمد کنیم و حتی ممکن است گرسنه بمانیم.»

دولت زلزله‌زده‌ها را جدی بگیرد

فرزین مرادی، همان امدادگر داوطلبی که در روزهای اول وقوع زلزله، چند ساعته نانوایی را آموخت و شب تا صبح نان پخت تا به دست زلزله‌زده‌ها برساند، صحبت‌های روستاییان زلزله‌زده را تایید می‌کند و می‌گوید: «الان هم دنیا و هم دولت، روی روستاهای ورنکش و ورزقان زوم کرده‌اند؛ چرا؟ چون بیشترین خسارت‌ها به این دو روستا وارد شده است. مگر زلزله فقط این روستاها را تخریب کرده است؟ کلی روستای تخریب شده داریم که مردمش به امدادرسانی نیاز دارند. صحبت‌هایی مطرح شده که قرار است دولت ده تا ۲۰ میلیون تومان به روستاییان پول بدهد تا برای خود خانه بسازند. مگر با این رقم می‌شود خانه ساخت؟ این پول حتی کفاف مصالح ساختمانی را هم نمی‌دهد. من می‌گویم اصلا دولت ۵۰ میلیون تومان به هر خانواده بدهد. باز هم کافی نیست. این مردم خانه و دام و کشاورزی‌شان از بین رفته است و دولت باید فکر جدی به حال آنها کند تا به زندگی عادی خود برگردند.»

> کسی به فکر ما نیست. محض رضای خدا حتی یك پزشك هم اینجا نیست که اگر مریض شدیم یا زن بارداری به دکتر نیاز داشت، به او مراجعه کند

بلاتکلیفی قاتل ۲ برادر در زندان

مرد سرایدار که با همدستی دوستانش در جنایتی هولناك دو برادر را به قتل رسانده بودند، بعد از ده سال درخواست کرد به وضعیتش در زندان رسیدگی شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ۲۷ آبان سال ۸۸ خانواده دو برادر به نام‌های سعید و حمید، با مراجعه به پلیس ناپدید شدن آنها را اعلام کردند. ماموران در تحقیقات متوجه شدند دو برادر آخرین بار با دوستان افغان خود که ساکن شهریار هستند، تماس گرفته بودند.

با دستگیری مظنونین پرونده تحقیقات از آنها آغاز شد و ۳۵ روز بعد از وقوع قتل، یکی از آنها که سرایدار یك باغ بود، سکوتش را شکست و در اعتراف به قتل دو برادر گفت: «یکی از دوستان من به نام عظیم مدتی بود که با زنی به نام لیلا ارتباط داشت و چند باری با هم به باغی آمده بودند که من در آنجا سرایدار بودم. شب حادثه باز هم عظیم با یکی دیگر از دوستانش و لیلا به باغ آمدند، اما مدتی که گذشت عظیم و دوستش که حمید نام داشت سر ۵۰ هزار تومان اختلاف پیدا کردند. دعوای آنها بالا گرفت و حمید برادرش را خبر کرد. من هم به یکی دیگر از دوستانمان زنگ زدم. زمانی که دوستم به باغ رسید داخل اتاقی رفت که در آنجا حمید و برادرش با عظیم در حال جر و بحث بودند. دوستم به محض ورود به اتاق به سمت حمید حمله کرد و با داس ضربه‌ای به سر حمید زد. من هم با دسته چاقو پشت سر سعید کوبیدم و نمی‌دانم جانش را از دست داد یا بیهوش شد. بعد هم دو برادر را در چاهی که داخل باغ بود، انداختیم.»

با اعترافات متهم، سه متهم دیگر پرونده دستگیر شدند و اجساد دو برادر در حالی داخل چاه کشف شد که پزشکی قانونی اعلام داشت هر دو برادر قبل از سقوط به چاه زنده بوده‌اند.

با تکمیل تحقیقات پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهمان اسفند سال ۹۰ پای میز محاکمه قرار گرفتند.

در این جلسه لیلا در دادگاه در دفاع از خود گفت: «اتهام زنا را قبول ندارم. همسرم من را وادار به تکدیگری می‌کرد. بعد با عظیم آشنا شدم و او من را اغفال کرد.»

سه متهم دیگر پرونده نیز اتهام قتل را گردن همدیگر انداختند. دوست مرد سرایدار که با داس به حمید ضربه زده بود در دفاع از خود در دادگاه گفت: «اتهامم را قبول ندارم. از هیچ چیز خبر نداشتم. دوستم با من تماس گرفت و گفت دو برادر قصد جان عظیم را کرده‌اند. من فقط می‌خواستم عظیم را نجات دهم، اما ضربه من باعث مرگ حمید نشد و در انداختن دو برادر به چاه نقشی نداشتم.»

دو متهم دیگر نیز به‌رغم اعترافات قبلی خود ادعا کردند که در پرت کردن مقتولان به چاه نقش نداشته‌اند.

قضات دادگاه بعد از بررسی پرونده هر کدام از آنها را به اتهام مشارکت در قتل به دو بار قصاص محکوم کردند.

دو نفر از متهمان پرونده موفق به جلب رضایت اولیای دم شدند و از قصاص رهایی پیدا کردند، اما سرایدار باغ همچنان در زندان ماند و با گذشت ده سال از جنایت دادخواست تعیین تکلیف خود را به دادگاه ارسال کرد. متهم روز گذشته برای رسیدگی به دادخواستش در شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران حاضر شد و به قاضی گفت: «ده سال است در زندان هستم. با کمك صاحب‌کار دایی‌ام رضایت شش نفر از اولیای دم را جلب کرده‌ام و حالا سه نفر باقی مانده‌اند که آنها را پیدا نمی‌کنم.»

پس از صحبت‌های مرد زندانی، رسیدگی به دادخواست او در دستور کار قضات قرار گرفت.

جنایت برای فرار از دام شیطانی

پسر ۱۹ ساله که به اتهام قتل دوستش بازداشت شده بود اعتراف کرد چون دوستش قصد کشتن وی را داشته، برای نجات خود او را با چاقو به قتل رسانده است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۷ و ۴۰ دقیقه صبح ۲۵ آبان امسال محمد تقی شعبانی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران از طریق ماموران کلانتری پاسداران ازقتل پسری ۱۹ ساله در ساختمان نیمه کاره‌ای در حوالی محله پاسداران خبرداد. ماموران تیم جنایی پلیس آگاهی در محل حاضر شدند و معلوم شد پسر۱۹ ساله در حالی که زخمی بوده، به بیمارستان منتقل شده و در آنجا بر اثر شدت جراحات فوت کرده است. تحقیقات از حاضران در محل نشان می‌داد عامل این جنایت، پسری ۱۹ ساله به نام وحید است که او در همان محل کارش که ساختمان نیمه کاره بود، بازداشت شد. او در بازجویی اولیه مدعی شد با

دوستش در حال شوخی بوده و وی را هل داده که به میله آهنی که در محل بوده برخورد کرده و نتوانسته تعادلش را حفظ کند و میله به پهلویش اصابت کرده و او فوت شده است.

این در حالی بود که کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند که پسر ۱۹ ساله براثر اصابت میله آهنی زخمی نشده بلکه براثر اصابت جسمی برنده به قتل رسیده است. ماموران برای روشن شدن این موضوع محل جنایت را دوباره بررسی کردند که معلوم شد روی میله آهنی رد خونی نبوده و چاقویی را یافتند که در همان محل درگیری لکه‌های خون روی آن بود. بنابراین متهم به قتل دوباره مورد بازجویی قرار گرفت تا این که با گذشت بیش از یك ماه از این جنایت در جریان تحقیقات پلیسی اعتراف کرد دوست ۱۹ ساله اش را با ضربه چاقو به قتل رسانده و درباره انگیزه اش گفت: من و مقتول همیشه با هم شوخی می‌کردیم اما آن شب متوجه شدم قصد او شوخی نبوده بلکه می‌خواست مرا در دام شیطانی اش گرفتار کند که با هم درگیر شدیم. او مرا به روی میزی که در آنجا بود پرت کرد و با دستانش می‌خواست خفه ام کند که برای نجات جانم، چاقویی را از روی میز برداشتم و ضربه‌ای به او زدم که باعث نجات خودم و مرگ او شد.

فرار دردسرساز زن ۱۵ ساله از خانه شوهر

زن ۱۵ ساله که چهار سال قبل به عقد یکی از اقوام خود درآمده بود، هفته گذشته با شاگرد یك نانوایی از خانه شوهرش فرار کرد و به تهران آمد. با شکایت شوهر این زن، پلیس او را در خانه مرد جوان دستگیر کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، هفته گذشته مرد جوانی که ساکن یکی از شهرهای شرقی ایران است با مراجعه به پلیس ادعا کرد همسر ۱۵ ساله‌اش گم شده است. رسیدگی به موضوع در دستور کار قضایی قرار گرفت و بررسی و ردیابی تلفن همراه دختر نوجوان به نام راضیه، باعث شد پلیس رد او را در شهر تهران دنبال کند و دو شب قبل راضیه همراه جوان ۲۲ ساله‌ای به نام احمد در محله خلازیر تهران دستگیر شدند.

روز گذشته راضیه و احمد برای تحقیقات مقدماتی در دادگاه کیفری یك استان تهران حاضر شدند. راضیه در دفاع از خود گفت: مدتی قبل با احمد -که یکی از همشهری‌های من است- هم صحبت شدم و به او علاقه پیدا کردم. احمد در یك نانوایی در تهران شاگرد بود و گاهی اوقات که برای سر زدن به خانواده اش به شهرمان می‌آمد او را می‌دیدم. بالاخره یك روز از او خواستم من را همراه خودش به تهران بیاورد. برای همین نقشه فرار با او را کشیدم و اجرا کردیم. راضیه در ادامه رو به قاضی گفت: من فقط ۱۱ سال داشتم که به اجبار خانواده ام ازدواج کردم. حالا از کرده خودم پشیمانم. ازدواج در سن خیلی پایین باعث شد چنین اشتباهی انجام دهم.

احمد نیز در دفاع از خود گفت: قبول دارم با راضیه ارتباط داشتم؛ اما نمی‌دانستم او شوهر دارد و فکر می‌کردم نامزد دارد.

قاضی بعد از شنیدن دفاعیات متهمان، قرار بازداشت موقت آنها را صادر کرد. رسیدگی به پرونده به زودی انجام خواهد شد.

افشای قتل کارگر ساختمانی با کارآگاه‌بازی زن همسایه

کارآگاه بازی زن همسایه، راز قتل کارگر جوان در ساختمان نیمه‌کاره را فاش کرد.

به گزارش خبرنگارجنایی جام‌جم، ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه صبح شنبه ۲۳ آذر امسال یکی از ماموران کلانتری تهرانسر در تماس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی پایتخت از مرگ مشکوك کارگر ۲۶ ساله‌ای در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در غرب تهران خبر داد.

در ادامه با دستور قضایی، تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند که معلوم شد مصدوم به بیمارستان منتقل شده و در آنجا فوت کرده است. ماموران برای روشن شدن علت مرگ او از دیگر کارگران حاضر در محل تحقیق کردند که برخی می‌گفتند او از پشت بام ساختمان در حال احداث به پایین پریده و فوت شده است. برخی از آنها نیز مدعی بودند نمی‌دانند چطور این حادثه برای او رخ داده است.

ماموران با توجه به این‌که اظهارات کارگران ضد و نقیض بود، به تحقیقات ادامه دادند تا این‌که از طریق مسؤولان بیمارستان متوجه شدند که روی بدن کارگر فوت شده هیچ‌گونه علائمی که نشان دهد او بر اثر سقوط از بلندی فوت شده است، وجود ندارد و از فاصله‌ای نزدیك به او ضربه‌هایی زده شده که همین باعث مرگ وی شده و به احتمال زیاد این جوان به قتل رسیده است.

در ادامه زنی با حضور نزد ماموران، اطلاعات جدیدی را در اختیار پلیس قرارداد و گفت: خانه‌ام در مقابل همین ساختمان است. در خانه بودم که صدای مشاجره دو نفر را شنیدم. زمانی که پنجره را باز کردم تا موضوع را بررسی کنم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم، مرد کشته شده را دیدم که با فرد دیگری درگیر بود و صدای کمك‌خواهی‌اش را شنیدم. چند بار صدایشان زدم تا به دعوا پایان دهند که متوجه نشدند. از خانه‌ام بیرون آمدم و نزد نگهبان این ساختمان آمدم و اطلاع دادم که دو نفرجوان با هم در ساختمان درگیر شده‌اند.

همزمان با تشکیل پرونده قضایی در دادسرای جنایی تهران، قرار شد که دوباره از دیگر کارگران درباره قتل مرد جوان تحقیق کنند.

تلنگر

بخشش قاتلان مرد ثروتمند بعد از افشای راز جنایت

پرونده قتل مرد ثروتمند با گذشت دو فرزندش، برای محاکمه از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد. پلیس برای رازگشایی از معمای این جنایت، نبش قبر کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ۲۱ اردیبهشت ۹۱ بود که مرد ثروتمندی در خانه ویلایی‌اش در یکی از محله‌های شمالی تهران با شلیك گلوله به قتل رسید. با تحقیق ازخانواده وی معلوم شد که آنها به مهمانی رفته بودند و بعد از بازگشت متوجه این جنایت شدند.

بعد از گذشت شش سال از این قتل، رد باجناق مقتول در این جنایت به دست آمد و او در بازجویی‌ها به ارتکاب قتل با همدستی همسر مقتول اعتراف کرد.

با این اعترافات همسر مقتول به نام فرانك بازداشت شد و درباره ماجرای قتل شوهرش گفت: شوهرم از زن اولش صاحب فرزند نشد و جدا شدند. او ثروتمند و ۲۰ سال از من بزرگ‌تر بود، به همین خاطر با اجبار خانواده‌ام با وی ازدواج کردم. شوهرم مشکل اخلاقی داشت و با من بدرفتاری می‌کرد. از دستش خسته شدم، موضوع را به شوهرخواهرم گفتم. روز حادثه من با ریختن قرص خواب‌آور در آبمیوه شوهرم او را بیهوش کردم، طبق نقشه‌مان با بچه‌ها به مهمانی رفتیم و در نبودمان شوهرخواهرم که مسلح بود به خانه آمد و با شلیك گلوله شوهرم را کشت.

چند ماه بعد از دستگیری آنها، پسر و دختر جوان مقتول که تنها اولیای دم به شمار می‌رفتند با حضور در شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران نزد بازپرس شعبانی آمدند و گفتند که نسبت به مادرشان و شوهرخاله‌شان که این قتل را رقم زده‌اند شکایتی ندارند و هردوی آنها را بخشیدند.

این در حالی بود که خواهران مقتول نیز به دادسرای جنایی پایتخت آمدند و ادعایی را مطرح کردند که مسیر تحقیقات را تغییر داد. آنها مدعی شدند، برادرشان صاحب فرزند نمی‌شده و مدتی بعد از عروسی‌اش با فرانك، دو بچه را به ما نشان دادند و گفتند که اینها فرزندانشان هستند. طبق مدارك پزشکی، برادرم بچه‌دار نمی‌شد، ولی چون نمی‌خواستیم در زندگی‌شان دخالت کنیم حرفی نزدیم.

پس از این ادعا، با استفتاء از دفتر آیت‌ا... مکارم شیرازی مبنی بر مجوز نبش قبر چند روز قبل، آزمایش دی‌ان‌ای از جسد مقتول انجام گرفت، اما زمانی که قرار شد آزمایش دی‌ان‌ای از پسر و دختر مقتول نیز انجام گیرد، مشخص شد آنها به ترکیه رفته‌اند. چون دسترسی به آنها امکان‌پذیر نبود، با دلایل موجود در پرونده و تحقیقات انجام گرفته پی بردند که این دو نفر فرزندان مقتول بوده‌اند، بنابراین با توجه به بخشش متهمان از سوی اولیای دم، آنها به زودی از جنبه عمومی جرم محاکمه می شوند.

مرگ خاموش ۳ عضو خانواده

سه عضو یك خانواده در شهرستان زاوه بر اثر مسمومیت ناشی از استنشاق گاز منوکسید کربن فوت شدند.

محمدجواد امیری، مدیر حوادث دانشگاه علوم پزشکی تربت‌حیدریه به ایرنا گفت: روز شنبه فردی با اورژانس تماس تلفنی گرفت و خبر داد که اعضای یك خانواده ساکن روستای قلعه آقاحسن شهرستان زاوه دچار گازگرفتگی شده‌اند. امدادگران اورژانس در خانه روستایی حاضر شدند، در این حادثه مادرو دو فرزند خانواده به علت مسمومیت با گاز مونواکسید کربن فوت شدند و پدر خانواده که دچار مسمومیت شده بود، نجات یافت.

تریاك در معده ۵ قاچاقچی

سه کیلو تریاك از معده پنج قاچاقچی در اردستان کشف و متهمان بازداشت شدند.

سرهنگ غلامرضا هاشمی‌زاده، فرمانده انتظامی شهرستان اردستان به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: ماموران انتظامی با اطلاع از انتقال محموله مواد مخدر توسط یك دستگاه خودروی پراید، تحقیقاتشان را آغاز کردند. آنها با کنترل خودروهای عبوری در محور مواصلاتی این شهرستان سرانجام خودروی مذکور را که با پنج سرنشین در حال حرکت بود، شناسایی و متوقف کردند.

ماموران برای بررسی بیشتر هر پنج سرنشین خودرو را مورد معاینات پزشکی قرار دادند که مشخص شد این افراد اقدام به بلعیدن مواد و نگهداری آنها در معده خود کردند. سه کیلوگرم تریاك از معده قاچاقچیان کشف شد.